

بعبارت دیگر چین با پیروی از سیاست کنونی دولت گومیندان هرگز نمیتواند به استقلال و تساوی حقوق واقعی نائل آید .

ما معتقدیم که پس از شکست و تسلیم بلاشرط مهاجمین ژاپنی لازم است به تمام نیروهای دموکراتیک خلق ژاپن کمک شود که سیستم دموکراتیک خاص خود را برقرار نمایند تا آنکه فاشیسم و میلیتاریسم ژاپن را همراه با ریشه‌های سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی آن نابود سازند . تا خلق ژاپن به سیستم دموکراتیک دست نیابد ، برانداختن کامل فاشیسم و میلیتاریسم ژاپن و تأمین صلح در منطقه اقیانوس آرام امکان‌پذیر نخواهد بود .

ما تصمیم کنفرانس قاهره را دائر به استقلال کره صحیح می‌شمریم . خلق چین باید به خلق کره کمک کند که آزادی خویش را بدست آورد . ما امیدواریم که هند به استقلال نائل خواهد آمد . هند مستقل و دموکراتیک تنها مورد نیاز خلق هند نیست بلکه عامل اساسی صلح جهانی است .

در مورد کشورهای جنوب شرقی آسیا - برمه ، مالایا ، اندونزی ، ویتنام و فیلیپین - ما امیدواریم که خلق آنها پس از شکست مهاجمین ژاپنی حق خود را برای تشکیل دولتهای مستقل و دموکراتیک اعمال خواهد کرد . معذک با تایلند باید مانند دولتهای اعمار فاشیسم در اروپا رفتار شود .

* * *

اینها است نکات عمده برنامه خاص ما . باز تکرار میکنم که بدون دولت ائتلافی دموکراتیک که از پشتیبانی قاطبه ملت برخوردار باشد هیچیک از مواد این برنامه خاص

نمی‌تواند در مقیاس تمام کشور با موفقیت بمرحله اجرا در آید .
 حزب کمونیست چین بر اثر ۴۴ سال مبارزه خود در راه آزادی خلق
 چین بچنان مقامی رسیده است که هر حزب سیاسی یا گروه اجتماعی ،
 هر چینی یا بیگانه‌ای که عقاید او را در مسائل مربوط به چین نادیده
 انگارد مرتکب اشتباه جدی خواهد شد و به پیشواز ناکامی خواهد رفت .
 کسانی بودند و هنوز هم هستند که میکوشند عقاید ما را نادیده بگیرند
 و عنودانه راه خود را دنبال کنند ، اما کار همه آنها به بن بست انجامید .
 چرا ؟ صاف و ساده برای آنکه عقاید ما منطبق با منافع توده‌های وسیع
 خلق چین است . حزب کمونیست چین وفادارترین سخنگوی خلق چین
 است و هر آنکس که وی را محترم نشمارد در واقع توده‌های وسیع خلق
 چین را محترم نمی‌شمارد و محکوم به شکست است .

وظایف در مناطق گومیندان

من درباره برنامه‌های عام و خاص حزب با توضیحات مفصل دادم .
 بدون شك این برنامه‌ها سرانجام در سراسر چین به تحقق خواهند پیوست .
 این دورنمایی است که وضع بین‌المللی و داخلی در مجموع در برابر خلق
 چین گشوده است . معدلك در حال حاضر شرایط مناطق گومیندان و
 مناطق اشغالی دشمن و مناطق آزاد شده با یکدیگر متفاوت‌اند . لازم
 است ما نیز برای تحقق برنامه خود میان این مناطق فرق بگذاریم . از
 شرایط مختلف وظایف مختلف ناشی میشود . بعضی از این وظایف را من
 در فوق توضیح دادم ، برخی دیگر هنوز به توضیح نیازمندند .
 در مناطق گومیندان خلق آزاد نیست تا به فعالیت سپهن‌پرستانه
 پردازد ، و جنبش‌های دموکراتیک غیرقانونی‌اند ؛ معدلك قشرهای

اجتماعی گوناگون ، احزاب و افراد دموکراتیک فعالیت روزافزونی از خود نشان می‌دهند . جامعه دموکراتیک چین در ژانویه امسال مانیفستی بیرون داد و پایان دیکتاتوری یک حزبی گومیندان و تشکیل دولت ائتلافی را خواستار گردید . بسیاری از بخش‌های مردم اعلامیه‌هایی نظیر انتشار دادند . در درون گومیندان نیز کسان بسیاری نسبت به سیاست ارگانهای رهبری حزب خود تردید و عدم رضایت روزافزونی نشان می‌دهند و به خطر جدا شدن حزب خود از مردم بیش از پیش آگاهی می‌یابند و بهمین جهت می‌طلبند که متناسب با زمان اصلاحات دموکراتیک صورت گیرد . در چون چینگ و نقاط دیگر در میان کارگران ، دهقانان ، محافل فرهنگی ، دانشجویان ، محافل آموزشی ، زنان ، محافل صنعتی و بازرگانی و کارمندان دولت و حتی در میان عده‌ای از سربازان و افسران جنبش‌های دموکراتیک گسترش می‌یابند . این رویدادها نشان می‌دهند که جنبش‌های دموکراتیک تمام قشرهای ستمکش بتدریج بسوی هدف مشترکی گرایش می‌یابند . نقطه ضعف جنبش‌های کنونی در اینست که بخش‌های پائین جامعه هنوز بمقیاس وسیع به آنها نه پیوسته‌اند و مهمترین نیروها یعنی دهقانان ، کارگران ، سربازان ، کارمندان جزء دولت و آموزگاران که همه بسختی رنج می‌برند ، هنوز متشکل نگردیده‌اند . نقطه ضعف دیگر آنها در اینست که بسیاری از شخصیت‌های دموکرات جنبش هنوز درباره سیاست اساسی یعنی درباره اینکه وضع را باید از راه مبارزه براساس اصول دموکراتیک دگرگون ساخت دچار سرگشتگی و تردیداند . معذک شرایط عینی ، همه قشرها ، احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی ستمکش را وادار میکند که بتدریج بیدار و متحد شوند . هیچ فشاری از جانب دولت گومیندان نمیتواند پیشرفت این جنبش را متوقف سازد .

در مناطق گومیندان همه قشرها ، احزاب سیاسی و گروه‌های اجتماعی
 ستم‌دیده باید جنبش دموکراتیک خود را بمقیاس وسیع توسعه بخشند و
 بمنظور مبارزه بخاطر وحدت ملی ، تشکیل دولت ائتلافی ، غلبه بر مهاجمین
 ژاپنی و بنای چینی نو بتدریج نیروهای پراکنده خود را متحد سازند .
 حزب کمونیست چین و خلق مناطق آزاد شده باید از هیچگونه کمکی به
 آنها دریغ نرزد .

در مناطق گومیندان ، کمونیستها باید سیاست جبهه وسیع متحد
 ملی ضد ژاپنی را همچنان ادامه دهند . در مبارزه بخاطر هدفهای مشترک
 ما باید با هر کسی که امروز بمقابله با ما برنمیخیزد ، حتی اگر دیروز هم
 چنین کرده باشد همکاری کنیم .

وظایف در مناطق اشغالی ژاپن

در مناطق اشغالی ، کمونیست‌ها باید از همه کسانی که با ژاپن
 مبارزه میکنند دعوت نمایند که از نمونه‌های فرانسه و ایتالیا سرمشق
 بگیرند و بمنظور تدارک قیام مسلح ، سازمانهایی بوجود آورند و نیروهای
 زیر زمینی تشکیل دهند تا بتوانند در لحظه معین هم‌آهنگ با ارتش‌هایی
 که از خارج حمله‌ور میشوند از داخل عمل کنند و بدینطریق مهاجمین
 ژاپنی را نابود سازند . قساوت ، غارت ، هتک ناموس و تحقیری که
 متجاوزین ژاپنی و نوکران فرمانبر آنها در مناطق اشغالی نسبت به
 برادران و خواهران ما روا میدارند خشم سوزان تمام مردم چین را
 برانگیخته است ، و ساعت انتقام بسرعت نزدیک میشود . پیروزیهای
 جنگ در صحنه اروپا و پیروزیهای ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید ،
 روحیه ضد ژاپنی خلق را در مناطق اشغالی برانگیخته و بشدت تقویت

کرده است . مردم عاجلاً می‌خواهند متشکل شوند تا هر چه زودتر به آزادی نائل آیند . بنابراین ما باید اهمیت کار در مناطق اشغالی را تا همان درجه اهمیت کار در مناطق آزاد شده بالا بریم . تعداد وسیعی از کارمندان ما باید برای کار بدانجا اعزام گردند . از میان اهالی این مناطق باید تعداد وسیعی از افراد فعال تربیت کرد ، آنها را بالا کشید و در امور محلی شرکت داد . ما باید در چهار استان شمال شرقی که از هر منطقه دیگری بیشتر در اشغال دشمن باقی مانده‌اند و برای مهاجمین ژاپنی هم از لحاظ صنعتی و هم از لحاظ تمرکز ارتش منطقه کلیدی بشمار می‌روند فعالیت زیر زمینی خود را شدت بخشیم . بمنظور بازستاندن این مناطق از دست رفته ، ما باید همبستگی خود را با مردمی که از شمال شرقی بجنوب دیوار بزرگ چین فرار کرده‌اند تقویت کنیم .

کمونیستها باید سیاست وسیعترین جبهه متحد ملی ضد ژاپنی را در کلیه مناطق اشغالی دنبال کنند . آنها باید برای غلبه بر دشمن مشترك با هر کسی که با مهاجمین ژاپنی و نوکران فرمانبر آنها بمقابله می‌پردازد متحد شوند .

باید به تمام ارتش‌های پوشالی و پلیس پوشالی و دیگران که بدشمن یاری می‌دهند و با هم‌میهنان خود بمقابله برمی‌خیزند اخطار نمود که هر چه زودتر به ماهیت جنایتکارانه اعمال خویش اعتراف کنند و تا وقت نگذشته ابراز پشیمانی نمایند و بعنوان کفاره جنایات خود به هم‌میهنان خویش علیه دشمن مدد رسانند . در غیر اینصورت روزی که دشمن از پای در آید یقیناً ملت آنها را فرا خواهد خواند که حساب پس دهند . کمونیستها باید در تمام سازمانهای پوشالی که پایه توده‌ای دارند به تبلیغات اقناعی دست زنند تا توده‌هایی را که فریب خورده‌اند

بطرف ما و علیه دشمن ملت جلب کنند . در عین حال باید علیه آن همکاران علاج ناپذیر با دشمن که به کین توزانه‌ترین جنایات دست زده‌اند به جمع‌آوری مدارك پردازند تا هنگامی که سرزمینهای از دست رفته باز پس گرفته شد آن مدارك را به پیشگاه عدالت ارائه دهند .

باید به آن مرتجعینی از گومیندان که به ملت خیانت کرده و همکاران علنی با دشمن را بخاطر مبارزه با خلق چین ، با حزب کمونیست چین ، با ارتش هشتم و ارتش چهارم جدید و دیگر نیروهای مسلح خلق متشکل ساخته‌اند اخطار کرد که بموقع اظهار ندامت کنند . در غیر اینصورت موقعی که سرزمینهای از دست رفته باز پس گرفته شود ، آنها یقیناً همراه با خائنین بملت کیفر جنایات خویش را خواهند دید و هیچگونه اغماضی نسبت به آنها بعمل نخواهد آمد .

وظایف در مناطق آزاد شده

حزب ما برنامه دموکراسی نوین خود را در مناطق آزاد شده بطور کامل و با نتایجی درخشان تحقق بخشیده و از اینطریق نیروی ضد ژاپنی عظیمی فراهم آورده است . از این پس نیز باید این نیرو را از هر جهت توسعه دهد و تحکیم کند .

در اوضاع و احوال حاضر سپاهیان مناطق آزاد شده باید در تمام نقاطی که باز پس گرفتن آنها از ژاپنی‌ها و سپاهیان پوشالی اسکان‌پذیر است حملات وسیعی را آغاز کنند تا مناطق آزاد شده را توسعه بخشند و از مناطق اشغالی بکاهند .

اما در عین حال نباید از نظر دور داشت که دشمن هنوز قوی است و میتواند به حملات جدیدی علیه مناطق آزاد شده دست زند . ارتش

و خلق مناطق آزاد شده باید پیوسته آماده باشند که حملات دشمن را درهم شکنند و برای تحکیم این مناطق از هر جهت بکوشند .
ما باید ارتش‌ها ، واحدهای پارتیزانی ، چریک توده‌ای و سپاه دفاع از خود را در مناطق آزاد شده گسترش دهیم و با تسریع در تربیت و تحکیم آنها بر قدرت نبردشان بیفزائیم تا برای غلبه نهائی بر مستجاوزین قدرت کافی ایجاد کنیم .

ارتش در مناطق آزاد شده باید پشتیبان دولت و دوستدار خلق باشد . در حالی که حکومت‌های دموکراتیک باید خلق را در کار پشتیبانی از ارتش و معاضدت با خانواده‌های رزندگان جنگ مقاومت رهبری کنند ، و بدین طریق مناسبات میان ارتش و خلق باز هم بهتر خواهد شد .

کمیونیست‌ها باید در کار مربوط به حکومت‌های ائتلافی محلی و فعالیت‌های اجتماعی بر اساس برنامه دموکراسی نوین به همکاری نزدیک خود با تمام دموکرات‌های ضد ژاپنی ادامه دهند .

بهمین قسم در کار نظامی کمیونیست‌ها باید با کلیه دموکرات‌های ضد ژاپنی که به همکاری با ما تمایل نشان میدهند ، خواه از افراد ارتش‌های مناطق آزاد شده باشند یا نباشند از نزدیک همکاری کنند .

برای آنکه شور و شوق توده‌های کارگر و دهقان و توده‌های زحمتکش دیگر برای جنگ و تولید افزایش یابد ، ما باید بطور کامل سیاست تقلیل بهره‌مالکانه و نرخ سود و افزایش حقوق کارگران و کارمندان را اجرا کنیم . کادرهای مناطق آزاد شده باید در آموختن امور اقتصادی اهتمام ورزند . برای رشد وسیع کشاورزی ، صنعت و تجارت جهت بهبود شرایط زندگی مریزان و خلق باید همه نیروهای موجود را بسیج کرد . بدین منظور باید مسابقاتی در کار ترتیب داده شود و قهرمانان کار و

کاربران نمونه پاداش گیرند. پس از آنکه مهاجمین ژاپنی از شهرها
بازگشته رانده شدند کارمندان ما باید بسرعت چگونه اداره امور اقتصادی
شهرها را بیاموزند.

بمنظور بالا بردن سطح آگاهی سیاسی خلق در مناطق آزاد شده
و در درجه اول سطح آگاهی سیاسی توده‌های کارگران، دهقانان و
سربازان و بمنظور پرورش تعداد بسیاری کادر، کار فرهنگی و آموزشی ما
باید گسترش یابد. آنگاه که به این کار میپردازند در جریان کار
خود باید شکل و مضمون آنها متناسب با شرایط موجود در روستا و
بازمندیها و خواستههای مردم روستا انتخاب کنند.

در تمام امور مربوط به مناطق آزاد شده نیروی کار و ذخائر مادی
باید به مقتصدانه‌ترین وجه مورد استفاده قرار گیرد و در هر زمینه‌ای
نقشه‌های درازمدت تنظیم گردد، و از هر گونه سوءاستفاده و اسراف
جلوگیری بعمل آید. مراعات این امر هم برای غلبه بر مهاجمین ژاپنی
و هم برای بنای چین نوین ضروری است.

در تمام امور مربوط به مناطق آزاد شده ما نباید به این امر توجه
خاصی معطوف داریم که مردم محل کمک کنیم تا امور محلی را خود
اداره کنند و از میان بهترین مردم محل کادری محلی به تعداد زیادی
پرورش دهیم. هر گاه رفتائی که از نقطه دیگر میآیند با مردم محل
در نیامیزند و با در نظر گرفتن شرایط محل از دل و جان و بطور خستگی
ناپذیر به کارهای محلی یاری نرسانند و آنها را مانند برادران و خواهران
خود عزیز ن شمارند انجام وظیفه خطر انقلاب دموکراتیک در مناطق
روستائی امکان پذیر نخواهد بود.

هنگامی که واحدی از ارتش هشتم، ارتش چهارم جدید یا هر

نیروی مسلح دیگر خلق به محلی میرسد باید فوراً به مردم محل مدد دهد تا در زیر رهبری کادرهای محلی متشکل گردند و از آنجمله نه تنها چریک توده‌ای و سپاه دفاع از خود، بلکه سپاهیان محلی و نیروهای منطقه‌ای ایجاد کنند. این امر اسکان خواهد داد که در زیر رهبری کادرهای محلی احتمالاً نیروهای منظم و واحدهای ارتش منظم پدید آید. این وظیفه فوق‌العاده مهمی است. بدون انجام آن ما نه میتوانیم پایگاه‌های ضد ژاپنی استواری بسازیم و نه ارتش توده‌ای را توسعه بخشیم.

البته مردم محل نیز بنوبه خود باید کادرهای انقلابی و نیروهای توده‌ای را که از مناطق دیگر می‌آیند بگرمی استقبال کنند و به آنها یاری رسانند.

هر کس باید در مسئله مقابله با خرابکاران ناشناخته مصالح ملت هوشیاری بخرج دهد. زیرا دشمنان و خرابکاران آشکار مصالح ملت را به آسانی میتوان باز شناخت و به آنها پرداخت. شناختن و پرداختن به آنهایی که در زیر پرده عمل میکنند آسان نیست. بهمین جهت ما باید این موضوع را بسیار جدی بگیریم و در عین حال در پرداختن بچنین مردمانی مراقبت بسیار بخرج دهیم.

در مناطق آزاد شده چین بر طبق اصل آزادی معتقدات مذهبی تمام مذاهب مجازاند. همه پروتستانها، کاتولیک‌ها، مسلمانها، بودائی‌ها و پیروان آئین‌های دیگر تا هنگامی که از قوانین دولت توده‌ای تبعیت میکنند از حمایت این دولت برخوردارند. هر کس آزاد است به آئینی معتقد باشد یا نباشد، هیچگونه اجبار یا تمایزی در این زمینه جایز نیست. کنگره ما باید بخلق مناطق آزاد شده مختلف پیشنهاد کند که

کنفرانس نمایندگان توده‌ای این مناطق هر چه زودتر درین ان تشکیل شود تا درباره مسائل مربوط به هم‌آهنگ ساختن فعالیت مناطق آزاد شده مختلف، تقویت کار آنها در جنگ مقاومت، کمک به جنبش دموکراتیک توده‌ای ضد ژاپنی در مناطق گویندگان، کمک به فعالیت‌های نیروهای مسلح زیر زمینی خلق در مناطق اشغالی، پیشرفت وحدت ملی و تشکیل دولت ائتلافی به بحث پردازد (۱۳). اکنون که مناطق آزاد شده چین در زمینه مقاومت در برابر ژاپن و نجات میهن به مرکز ثقل مبارزه تمام خلق تبدیل شده‌اند توده‌های وسیع مردم در مراسم کشور بما امید بسته‌اند و وظیفه ماست که امید آنها را برآوریم. چنین کنفرانسی باعث پیشرفت بزرگی در امر آزادی ملی خلق چین خواهد گشت.

ه - تمام حزب باید متحد شود و برای انجام وظایف خویش مبارزه کند

رفقا! اکنون که ما وظایف خود و رهنمودهای سیاسی لازم برای انجام آنها را دانستیم برای اجرای این رهنمودها و انجام این وظایف چه روشی باید اتخاذ کنیم؟
وضع کنونی بین‌المللی و داخلی در برابر ما و قاطبه خلق چین دورنمای روشنی گشوده و شرایط مساعد بی‌نظیری پدید آورده‌است. این مطلب واضح است و در آن تردیدی نمیتوان داشت. اما در عین حال هنوز مشکلات جدی در برابر ماست. کسی که فقط جنبه‌های تابناک را ببیند و به دشواریها توجه نکند قادر به پیکار مؤثر در راه انجام وظایف حزبی نخواهد بود.

حزب ما همراه با خلق چین طی بیست و چهار سال تاریخ حزب و بخصوص طی هشت سال جنگ مقاومت ضد ژاپنی برای خلق چین قدرت عظیمی ایجاد کرده است ؛ موفقیت‌های کار ما آشکار است و در آنها تردیدی نمیتوان داشت . اما در عین حال در کار ما نواقصی وجود دارد . کسی که فقط جنبه‌های موفقیت‌آمیز را به بیند و به نواقص توجه نکند او نیز قادر به پیکار مؤثر در راه انجام وظایف حزبی نخواهد بود .

حزب کمونیست چین طی بیست و چهار سالی که از زمان پیدایش آن در ۱۹۲۱ میگذرد سه باره بزرگ را از سر گذرانده است : لشگرکشی بشمال ، جنگ انقلاب ارضی و جنگ مقاومت ضد ژاپنی که هم اکنون ادامه دارد . حزب ما از همان آغاز تکیه خود را بر تئوری مارکسیسم - لنینیسم گذاشت زیرا که مارکسیسم - لنینیسم تبلور صحیح‌ترین و انقلابی‌ترین اندیشه علمی پرولتاریای جهانی است . آنگاه که حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم با پراتیک مشخص انقلاب چین درهم آمیخت انقلاب چین سیمای کاملاً نوی بخود گرفت و سراسر مرحله تاریخی دموکراسی نوین پدید گشت . حزب کمونیست چین مسلح به تئوری مارکسیسم - لنینیسم سبک کار نوینی برای خلق چین آورد که اساسش عبارتست از تلفیق تئوری و عمل ، ارتباط نزدیک با توده‌های مردم و انتقاد از خود .

حقیقت عام مارکسیسم - لنینیسم که انعکاس پراتیک مبارزه پرولتاریا در سراسر جهان است ، هنگامی که با پراتیک مشخص مبارزه انقلابی پرولتاری چین و خلق چین درهم آمیزد ، برای خلق چین بصورت سلاح شکست‌ناپذیری در میآید . حزب کمونیست چین به این کار نائل آمده است . حزب ما در مبارزه قاطع با هرگونه تظاهر دگماتیسم و

امپریسم که مخالف با این حقیقت است رشد کرده و پیش رفته است . دگماتیسم جدا شدن از پراتیک مشخص است و امپریسم گوشه‌ای از تجربه را بجای حقیقت عام میگیرد ؛ این هر دو نوع نظریه اهورتونستی بر خلاف مارکسیسم است . حزب ما در جریان بیست و چهار سال مبارزه علیه چنین نظریات غلطی با موفقیت پیکار کرده‌است و اکنون نیز پیکار میکند و بدین ترتیب خود را از لحاظ ایدئولوژیک استحکام بسیاری بخشیده‌است . حزب ما اکنون ۱,۲۱۰,۰۰۰ نفر عضو دارد . اکثریت قاطع آنها در جریان جنگ مقاومت به حزب پیوسته‌اند و در ایدئولوژی آنها آلودگیهای گوناگونی وجود دارد . همین موضوع در مورد عده‌ای از اعضاء که پیش از جنگ بعرب پیوسته‌اند نیز صدق میکند . کار اصلاح سبک در سالهای اخیر بسیار موفقیت‌آمیز بوده و در راه زدودن آلودگی‌ها گام‌های بلندی برداشته‌است . این کار باید همچنان دنبال شود و در درون حزب پرورش ایدئولوژیکی بازم با شدت بیشتر و با روح "پند گرفتن از اشتباهات گذشته بمنظور اجتناب از بازگشت آنها" و "درمان بیماری بمنظور نجات بیمار" گسترش یابد . ما باید برای کادرهای رهبری حزب در تمام مدارج اسکان درك این موضوع را فراهم آوریم که پیوند نزدیک تئوری و عمل خصوصیه‌ای است که حزب ما را از تمام احزاب سیاسی دیگر متمایز میسازد . بدین جهت پرورش ایدئولوژیکی آن حلقه اساسی است که باید در دست گرفت برای آنکه وحدت تمام حزب را در مبارزات خطیر سیاسی تأمین نمود . بدون انجام آن ، حزب نمیتواند هیچیک از وظایف سیاسی خود را انجام دهد .

خصیصه دیگری که حزب ما را از سایر احزاب سیاسی متمایز میسازد روابط نزدیک ما با توده‌های وسیع خلق است . نقطه حرکت ما

عبارت است از خدمت صمیمانه بخلق ، جدا نشدن از توده‌ها حتی برای يك لحظه ، در همه موارد منافع خلق و نه منافع فرد یا گروه کوچکی را سبباً گرفتن ، و مسئولیت در برابر خلق را با مسئولیت در برابر ارگانهای رهبری حزب یکی دانستن . کمونیست‌ها باید پیوسته برای دفاع استوار از حقیقت آماده باشند زیرا که حقیقت در جهت منافع خلق است ؛ کمونیست‌ها باید پیوسته برای اصلاح اشتباهات خویش آماده باشند زیرا که اشتباهات در تضاد با منافع خلق است . بیست و چهار سال تجربه بما نشان میدهد که وظیفه ، سیاست و سبک کار درست همیشه با خواست‌های توده‌ها در زمان و مکان معین منطبق است و رشته‌های پیوند ما را با توده‌ها مستحکم میکند ؛ وظیفه ، سیاست و سبک کار نادرست هرگز با خواست‌های توده‌ها در زمان و مکان معین منطبق نیست و ما را از توده‌ها جدا میسازد . عیب‌هایی مانند دگماتیسم ، اسپیریسم ، دستوردهی ، دنباله‌روی ، سکتاریسم ، بوروکراسی و پرسدعائی در کار از آن جهت بکلی زیان‌بخش و غیرقابل تحمل‌اند و کسانی که از این بیماریها در رنج‌اند از آنجهت باید بر آنها فائق آیند که این عیوب باعث جدائی ما از توده‌ها میشود . کنگره ما باید از تمام حزب دعوت کند که بر هوشیاری خویش بیفزاید و مراقب باشد که هیچ رفیقی در هر مقام که باشد از توده‌ها بریده نشود . باید به رفیقی آموخت که خلق را از جان و دل دوست بدارد و بندای وی با دقت گوش دهد . بهر جا که میرود در میان توده‌ها باشد ، بجای آنکه خود را در رأس آنها قرار دهد ، با آنها درهم آمیزد ، با توجه به سطح آگاهی موجود توده‌ها آنها را بیدار کند و آگاهی سیاسی آنها را بالا برد ، بتوده‌ها کمک کند که داوطلبانه رفته رفته متشکل شوند و کلیه آن مبارزات لازمی را که شرایط داخلی و خارجی ،

زمان و مکان معین اجازه میدهد بتدریج بسط و توسعه دهند. دستوردهی در هر نوع کاری خطاست زیرا که از سطح آگاهی سیاسی توده‌ها فراتر میرود و اصل عملیات داوطلبانه توده‌ها را نقض میکند. دستوردهی مظهر آن عیبی است که شتابزدگی نامیده میشود. رفقای ما نباید فکر کنند که آنچه آنها می‌فهمند توده‌های مردم هم می‌فهمند. فقط با رفتن بمیان توده‌ها و پژوهش است که میتوان معلوم کرد آیا توده‌ها این ویا آن فکر را فهمیده‌اند و آیا حاضر بعمل هستند یا نه. اگر ما اینطور عمل کنیم از دستوردهی در امان خواهیم بود. دنباله‌روی نیز در هر نوع کاری خطاست زیرا که از سطح آگاهی سیاسی توده‌ها فروتر می‌افتد و اصل رهبری کردن توده‌ها را بجلو نقض میکند. دنباله‌روی مظهر عیب دیگری است که وابستگی نامیده میشود. رفقای ما نباید فکر کنند که آنچه آنها نمی‌فهمند توده‌ها هم نمی‌فهمند. غالباً اتفاق می‌افتد که توده‌ها از ما جلو می‌افتند و علاقه شدیدی به پیش‌روی دارند حال آنکه رفقای ما بعوض اینکه آنها را رهبری کنند بدنبال برخی از عناصر عقب‌مانده میدوند و نظرات آنها را منعکس می‌سازند و بالاتر از همه نظرات آنها را اشتباهاً بجای نظرات توده‌های وسیع می‌گیرند. خلاصه باید بهر رفیق فهماند که نخستین سلاک گفتار و کردار يك کمونیست باید عبارت باشد از انطباق آن با منافع والای اکثریت قاطع خلق و برخورداری از پشتیبانی آنها. باید بهر رفیقی فهمانید وقتی که ما بخلق تکیه کنیم، زمانی که به نیروی خلاق و زوال‌ناپذیر توده‌ها ایمان راسخ پیدا نمائیم و باین ترتیب بخلق اعتماد کنیم و یا او یکی شویم بر هر مشکلی غلبه خواهیم کرد و هیچ دشمن قادر به درهم شکستن ما نخواهد بود، در حالی که ما قادر خواهیم بود دشمن را درهم شکنیم.

خصیصه دیگری نیز که حزب ما را از سایر احزاب سیاسی متمایز
 میسازد انتقاد صادقانه از خود است. ما میگوئیم اگر اطاق را مرتباً
 و منظمآ تمیز نکنیم گرد و خاک انباشته خواهد شد؛ اگر صورت خود
 را مرتب نشوئیم کثیف خواهد شد. ممکن است ذهن رفقای ما و کار حزب
 ما نیز گرد و خاک بگیرد و از اینرو احتیاج به رویدن و شست و شو دارد.
 ضربالمثل "آب جاری ممکن نیست بگردد و پاشنه در هرگز سوریانه
 نمیزند" به این معنی است که حرکت دائم مانع تأثیر فاسدکننده
 میکروبها و طفیلیها میگردد. بررسی مداوم کار خودمان و در این پروسه
 توسعه سبک دموکراتیک کار، نه‌راسیدن از انتقاد و انتقاد از خود و
 پیروی از این پندهای آموزنده خلق چین: "درباره آنچه که میدانی
 سکوت اختیار مکن و آنچه گفتنی داری برای خودت نگاه مدار"،
 "هیچکس را بخاطر حرفی که زده‌است گناهکار بدان، بلکه از گفته‌های
 او پند بگیر"، "اگر خطائی از تو سر زده آنرا اصلاح کن و اگر
 سر زده از آن برحذر باش" - اینست یگانه وسیله مؤثر برای حفظ
 ذهن رفقا و ارگانسیم حزب از سرایت گرد و خاک و میکروبیهای
 سیاسی. جنبش اصلاح سبک که هدف آن "پند گرفتن از اشتباهات
 گذشته بمنظور اجتناب از بازگشت آنها" و "درمان بیماری بمنظور نجات
 بیمار" بود به این علت تأثیر بزرگی بخشید که انتقاد و انتقاد از خودی
 که ما بدان دست زدیم صوری و مسخ شده نبود، صادقانه و از روی
 وجدان بود. ما کمونیستهای چین که منافع والای توده‌های وسیع خلق
 چین را سنای تمام عملیات خود قرار میدهیم و بحقانیت مطلق امر
 خویش ایمان داریم و آنچه را که جنبه شخصی دارد بی‌درنگ فدای
 این امر می‌سازیم و پیوسته حاضریم زندگی خویش را در راه آن نثار

کنیم ، آیا میتوانیم با حذف هر فکر ، هر نظر و عقیده یا اسلوبی که موافق نیازمندیهای خلق نباشد مخالف باشیم ؟ آیا ممکن است به پلیدیها و میکروبهای سیاسی راه دهیم که بیایند و پاکی چهره ما را آلوده گردانند و ارگانسیم سالم ما را بیمار سازند ؟ خاطره شهیدان بیشمار انقلاب که جان خود را در راه منافع خلق فدا کردند زندگان را غرق در اندوه میسازد . آیا در چنین حالی میتواند چنان منافع شخصی وجود داشته باشد که نتوان آنرا فدا ساخت و آیا میتواند عیبی وجود داشته باشد که نتوان آنرا اصلاح کرد ؟

رفقا ! پس از پایان این کنگره ما به جبهه خواهیم رفت و با پیروی از تصمیمات این کنگره ، بخاطر پیروزی نهائی بر مهاجمین ژاپنی و بنای چین نو پیکار خواهیم کرد . برای نیل به این هدف ما باید با قاطبه مردم کشورمان متحد شویم . تکرار میکنم ما باید با هر طبقه ، هر حزب و هر گروه اجتماعی و هر فردی که هوادار شکست مهاجمین ژاپنی و خواستار ساختمان چین نو است متحد گردیم . برای نیل به این هدف ما باید کلیه نیروهای حزب را بر اساس اصول سازمانی و انضباطی مرکزیت دموکراتیک استوارانه گرد آوریم . ما باید با هر رفیقی ، هر که باشد مشروط بر اینکه بخواهد برنامه ، اساسنامه و تصمیمات حزب را اجرا کند وحدت کنیم . در دوران لشگرکشی بشمال تعداد اعضای حزب ما کمتر از ۶۰,۰۰۰ بود که دشمن اکثر آنها را بعداً پراکنده ساخت ؛ در دوران جنگ انقلاب ارضی ، حزب ما اندکی کمتر از ۳۰۰,۰۰۰ عضو داشت که دشمن اغلب آنها را نیز پراکنده ساخت ؛ اکنون ما بیش از ۱,۲۰۰,۰۰۰ عضو داریم ، این بار ما بهیچوجه نباید اجازه دهیم که دشمن ما را متفرق سازد . اگر ما تجربه این سه دوره را مورد استفاده

قرار دهیم ، اگر ما فروتن باشیم و از غرور و نخوت پرهیزیم ، اگر ما بتوانیم وحدت میان تمام رفق را در درون حزب و وحدت با خلق را در خارج از حزب تقویت کنیم میتوانیم مطمئن باشیم که دشمن ما را متفرق نخواهد ساخت ، برعکس ما مصممانه ، از بیخ و بن ، بطور کامل و تمام عیار متجاوزین ژاپنی و سگان زنجیری فرمانبر آنها را نابود خواهیم کرد و سپس چین دموکراتیک نوین بنا خواهیم نمود .

تجربه سه دوره انقلاب و بویژه تجربه جنگ مقاومت ضد ژاپنی ما و قاطبه خلق چین را به این عقیده رسانیده است که بدون کوشش های حزب کمونیست چین و بدون کمونیستهای چین که تکیه گاه خلق چین اند ، چین هرگز نمیتواند به استقلال و آزادی دست یابد ، صنعتی شود و کشاورزی خود را مدرنیزه کند .

رفقا ! من اعتقاد راسخ دارم که با حزب کمونیست چین که با تجربه سه انقلاب مسلح است ما میتوانیم وظیفه سیاسی بزرگ خود را انجام دهیم .

هزاران هزار شهید جان خود را در راه منافع خلق قهرمانانه فدا کرده اند ؛ بگذار درفش آنها را بر افرازیم و در راهی که با خون آنها سرخ شده است پیش رویم !

چین دموکراتیک نوین بزودی پا بعرصه وجود خواهد گذاشت .
به پیش بسوی این روز فرخنده !

یادداشتها

۱ - سپاه پیشاهنگ آزادی ملی چین یا بعبارت کوتاهتر سپاه پیشاهنگ ملی ، يك سازمان انقلابی جوانان بود . این سازمان در فوریه ۱۹۳۶ از طرف جوانان

مترقی که در جنبش ۹ دسامبر ۱۹۳۵ شرکت کرده بودند در زیر رهبری حزب کمونیست چین تشکیل گردید. پس از آغاز جنگ مقاومت بسیاری از اعضای آن به نبرد پرداختند و در ایجاد پایگاه‌هایی در پشت جبهه دشمن شرکت جستند. سازمانهای سپاه پیشاهنگ ملی در مناطق گومیندان در ۱۹۳۸ از طرف دولت چانگکایشک بزور منحل گردیدند. سازمانهای آن در مناطق آزاد شده بعداً به انجمن جوانان بغاطر نجات ملی که سازمان وسیعتری بود پیوستند.

۲ - درباره توضیح کامل درباره سه حمله خونین ضد کمونیستی رجوع شود به «تفسیر درباره یازدهمین پلنوم کمیته اجرایی مرکزی گومیندان و دومین جلسه موسین شورای سیاسی ملی»، جلد حاضر.

۳ - اسکویی فرمانده نیروهای متجاوز امپریالیسم انگلستان در یونان بود. در اکتبر ۱۹۴۴ هنگامیکه اشغالگران آلمانی در قاره اروپا دچار شکست شده در حال عقب‌نشینی بودند سپاهیان اسکویی به این کشور وارد شدند و دولت ارتجاعی یونان را که در لندن بحالت تبعید بسر میبرد با خود همراه آوردند. اسکویی این دولت را در حمله به ارتش آزادیبخش خلق یونان، ارتشی که به نبردی طولانی و قهرمانانه علیه اشغالگران آلمانی دست زده بود، و در کشتار میهن‌پرستان یونان رهبری و یاری کرد و بدینطریق یونان را در خون غرقه ساخت.

۴ - بائو - جیا سیستمی اداری بود که دارودسته ارتجاعی گومیندان بکمک آن سلطه فاشیستی خود را در مدارج پائین تحمیل میکرد. چانگکایشک در اول اوت ۱۹۳۲ «آئین‌نامه سازمان بائو - جیا و سرشماری اهالی در شهرستان‌ها» را انتشار داد که استانهای سه نان، حوبه وان هوی را دربر میگرفت. در «آئین‌نامه» گفته میشود که «بائو و جیا باید بر اساس خانوار سازمان گیرند. برای هر خانوار و هر جیا که از ده خانوار تشکیل میگردد و هر بائو که از ده جیا تشکیل میگردد يك سرکرده تعیین میشود». از همسایگان خواسته شده بود که مراقب فعالیتهای یکدیگر باشند و آنها را بمقامات گزارش دهند و چنانچه يك نفر گناهکار پیدا میشد مجازات شامل حال همه میگردد؛ در آئین‌نامه همچنین تدابیری ضد انقلابی برای برقراری کار اجباری قید شده بود. در ۷ نوامبر ۱۹۳۴ دولت گومیندان رسماً اعلام داشت که این سیستم تسلط فاشیستی باید در تمام استانها و شهرهای تحت اقتدار وی برقرار گردد.

۵ - اشاره به آموزش و پرورش فتودالی، کمپرادوری و فاشیستی دولت

گومیندان .

۶ - کنفرانس قاهره که با شرکت چین ، آمریکا و انگلستان در نوامبر ۱۹۴۳ در پایتخت مصر تشکیل گردید اعلامیه قاهره را انتشار داد . در این اعلامیه با صراحت قید شده است که تایوان و برخی سرزمینهای دیگر باید بچین باز گردد . در ژوئن ۱۹۵۰ دولت آمریکا آشکارا این موافقتنامه را نقض کرد و ناوگانی برای کنترل تایوان اعزام داشت باینمنظور که چین را از حاکمیت بر آن محروم سازد .

۷ - اه مه کوه مشهوری است در قسمت جنوب غربی استان سی چیوان . در اینجا اشاره است به مناطق کوهستانی سی چیوان آخرین پناهگاه دارودسته حاکم چانکایشک در جنگ مقاومت ضد ژاپنی .

۸ - مراجعه شود به « مرتجعین باید مجازات شوند » ، « اتحاد تمام نیروهای ضد ژاپنی و مبارزه علیه سرسختهای ضد کمونیست » و « ده مطالبه از گومیندان » از « منتخب آثار مائو تسه دون » ، جلد ۲ .

۹ - اقتباس شده از « اظهاریه بمناسبت عزیمت بشمال » از دکتر سون یاتسن مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۲۴ .

۱۰ - منظور هجویات چانکایشک در جزوه ضد انقلابی وی بنام « سرنوشت چین » است .

۱۱ - منشور آتلانتیک در اوت ۱۹۴۱ مشترکاً از طرف آمریکا و انگلستان در پایان کنفرانس آتلانتیک انتشار یافت . کنفرانس مسکو با شرکت وزرای خارجه اتحاد شوروی ، آمریکا و انگلستان در اکتبر ۱۹۴۳ تشکیل گردید . کنفرانس تهران با شرکت اتحاد شوروی ، آمریکا و انگلستان از نوامبر تا دسامبر ۱۹۴۳ در پایتخت ایران تشکیل گردید . کنفرانس کریمه با شرکت اتحاد شوروی ، آمریکا و انگلستان در فوریه ۱۹۴۵ در یالتا واقع در کریمه از جنوب اتحاد شوروی انعقاد یافت . در تمام این کنفرانسهای بینالمللی امضاکنندگان تصمیم گرفتند که آلمان و ژاپن فاشیست را با کوشش مشترك مغلوب سازند و پس از جنگ از احیاء نیروهای تجاوز و بقایای فاشیسم جلو گیرند ، صلح جهانی را حفظ کنند و به خلقهای تمام کشورها مدد دهند که آنها آرمانهای خود را در زمینه استقلال و دموکراسی تحقق بخشند . اما بلافاصله پس از جنگ دولتهای آمریکا و انگلستان تمام این قراردادهای بینالمللی را نقض کردند .

۱۲ - نمایندگان چهار دولت اتحاد شوروی ، آمریکا ، انگلستان و چین

بر طبق تصمیمات کنفرانس‌های قاهره و تهران از اوت تا اکتبر ۱۹۴۴ در دبارتن اوکس واقع در آمریکا ملاقات کردند و پیشنهادات درباره سازمان ملل متحد را طرح ریزی نمودند. از آوریل تا ژوئن ۱۹۴۵ در سان فرانسیسکو واقع در آمریکا کنفرانس ملل متحد با شرکت نمایندگان پنجاه کشور دعوت شد. رفیق دون بی او بعنوان نماینده مناطق آزاد شده چین در این کنفرانس شرکت داشت.

۱۳ - " کمیته تدارك کنفرانس خلق مناطق آزاد شده چین " پس از هفتمین کنگره کشوری حزب کمونیست چین در پین ان تشکیل شد و جلسه افتتاحیه‌ای نیز منعقد گردید که در آن نمایندگان تمام مناطق آزاد شده شرکت کردند. با تسلیم ژاپن وضع دگرگون گردید و این کنفرانس دعوت نشد.

یوگون پیر مردی که کوه را از جا میکند

(۱۱ ژوئن ۱۹۴۵)

کنگره ما با موفقیت زیاد پایان رسید . ما در این کنگره سه کار کردیم : اول ، مشی حزب را معین نمودیم : بسیج متهورانانه توده‌ها و بسط و توسعه نیروهای خلق تا آنکه تحت رهبری حزب ما متجاوزین ژاپنی را درهم شکنند ، تمام خلق کشور را آزاد کنند و یک چین دموکراتیک نوین بسازند . دوم ، اساسنامه جدید حزب را تصویب کردیم . و سوم ، ارگان رهبری حزب ، یعنی کمیته مرکزی را انتخاب نمودیم . از این پس ، وظیفه ما عبارت از این خواهد بود که کلیه اعضای حزب را بخاطر تحقق مشی حزب رهبری کنیم . کنگره ما کنگره پیروزی ، کنگره وحدت بود . نمایندگان درباره سه گزارش نظرات ارزنده‌ای بیان نمودند . در اینجا بسیاری از رفقا انتقاد از خود کردند و با آرزوی وحدت از طریق انتقاد از خود بوحدت رسیدند . این کنگره نمونه‌ای از وحدت ، نمونه‌ای از انتقاد از خود و نمونه‌ای از دموکراسی درون حزبی است .

پس از پایان کنگره ، بسیاری از رفقا به محل کار خود و به جبهه‌های

اثر حاضر متن نطقی است که رفیق مائو تسه دون در جلسه اختتامیه هفتمین کنگره کشوری حزب کمونیست چین ایراد کرده است .

مختلف جنگ مراجعت خواهند کرد . رفقا ، شما بهر محلی که میروید ، موظفید مشی کنگره را تبلیغ کنید و از طریق اعضای حزب بین توده‌های مردم بکار توضیحی وسیعی دست زنید .

هدف ما از تبلیغ مشی کنگره بالا بردن حس اعتماد و اطمینان سراسر حزب و همه مردم به پیروزی مسلم انقلاب است . ما ابتدا باید آگاهی سیاسی پیشاهنگ را ارتقا دهیم تا آنها بتوانند در راه نیل به پیروزی عزم خود را جزم کنند ، از قربانی نهراسند ، و بر هر گونه مشکلی فایق آیند . ولی این هنوز کافی نیست ، ما باید آگاهی سیاسی توده‌های وسیع مردم را نیز بالا بریم تا آنها هم برای کسب پیروزی با جان و دل باتفاق ما در پیکار شرکت کنند . ما باید بخلق اطمینان دهیم که چین متعلق بخلق چین است نه به مرتجعین . داستانی موسوم به « یوگون پیر مردی که کوه را از جا بیکند » از چین باستان در دست است که میگوید : در روزگارهای پیشین ، در شمال چین ، پیر مردی معروف به یوگون پیر مرد کوهستان شمال میزیسته که دو کوه بلند بنام تای‌هان و وان او راه کلبه‌اش را بسمت جنوب مسدود کرده بودند . یوگون تصمیم گرفت باتفاق پسرانش آندو کوه را با کلنگ از جا بکند . پیر مرد دیگری بنام جی‌سو از دیدن آنان لب به تمسخر گشود و گفت : « زهی حماقت و نادانی ! شما چند نفر هیچگاه به تنهائی قادر به کندن این دو کوه عظیم نخواهید بود . » یوگون در جواب گفت : « اگر من بمیرم ، فرزندانم اینکار را ادامه خواهند داد و اگر فرزندانم بمیرند ، نوه‌هایم خواهند بود و اینکار همینطور نسل اندر نسل دنبال خواهد شد . بله ، درست است که ایندو کوه بلندند ، ولی هرگز از این بلندتر نخواهند شد ، بلکه بعکس ما با هر قطعه که میکنیم ، کوچکتر خواهند شد . چرا ما نباید قادر به

کندن این دو کوه باشیم ؟ ” یوگون پس از رد نظر نادرست جی سو ، بدون کوچکترین تزلزلی هر روز همچنان به کوه کنی ادامه داد . سرانجام خداوند بر سر رحم آمد و دو فرشته بزمین فرستاد که آن دو کوه را بدوش گرفتند و بجای دیگر حمل کردند (۱) . در حال حاضر بر گرده خلق چین نیز دو کوه عظیم سنگینی میکند که یکی از آنها اسپریالیسم و دیگری فتودالیسم نام دارد . حزب کمونیست چین دیر باز است که مصمم به از جا کندن این دو کوه گردیده . ما باید پیگیر باشیم ، ما باید بطور خستگی ناپذیر کار کنیم ، ما دل خدا را هم بدست خواهیم آورد . ولی این خدا کس دیگری جز توده های وسیع مردم چین نیست . در صورتیکه همه مردم بپاخیزند و باتفاق ما بکنند این کوهها پیردازند ، آیا باز هم قادر به کندن این دو کوه نخواهیم بود ؟

دیروز من ضمن صحبت با دو نفر آمریکائی که میخواستند به ایالات متحده آمریکا مراجعت کنند ، گفتم که دولت آمریکا سعی میکند در کار ما تخریب نماید ، ولی ما هرگز چنین اجازه ای نخواهیم داد . ما با سیاست دولت آمریکا در پشتیبانی از چانکایشک علیه حزب کمونیست مخالفیم . ولی باید اولاً خط فاصلی بین خلق آمریکا و دولت ایالات متحده آمریکا بکشیم و ثانیاً بین آنهائیکه در درون دولت آمریکا سیاست را تعیین میکنند و کارمندان ساده فرق بگذاریم . من باین دو نفر آمریکائی گفتم : ” به اولیای امور دولت خود بگوئید که ورود شما آمریکائیها به مناطق آزاد شده غدغن است ، زیرا سیاست شما مبنی بر پشتیبانی از چانکایشک علیه حزب کمونیست است ، و ما بشما هیچگونه اعتمادی نداریم . شما فقط در صورتی میتوانید به مناطق آزاد شده بیائید که بخواهید علیه ژاپن بجنگید . ولی ابتدا باید در این مورد پیمانی منعقد شود . ما بشما

اجازه نمیدهیم که مثل دزدها بهر سوراخی سر بکشید . پاتریک . ج . هارلی
 علناً مخالفت خود را با همکاری با حزب کمونیست چین اعلام کرده است (۲) ،
 ولی معلوم نیست که چرا شما باز می‌خواهید به مناطق آزاد شده ما بیایید
 و در اینجا اینور و آنور پرسه بزنید .

سیاست دولت آمریکا در پشتیبانی از چانکایشک علیه حزب کمونیست
 نموداری از گستاخی مرتجعین آمریکاست . ولی کلیه تلاشهای مرتجعین
 داخلی و خارجی دایر بر جلوگیری از پیروزی خلق چین محکوم به شکست
 است . در جهان کنونی ، جریان عمده را دموکراسی و جریان مخالف
 را ارتجاعی که علیه دموکراسی برخاسته ، تشکیل میدهد . جریان
 مخالف ارتجاعی هم اکنون در تلاش است تا بر جریان عمده - استقلال
 ملی و دموکراسی توده‌ای - چیره گردد ، ولی این جریان مخالف هرگز
 نمیتواند به جریان عمده بدل شود . امروز همانطور که استالین مدت‌ها
 پیش خاطر نشان ساخته ، هنوز سه تضاد بزرگ در جهان کهن وجود
 دارد که عبارتست از : اول ، تضاد بین پرولتاریا و بورژوازی در کشورهای
 امپریالیستی ؛ دوم ، تضاد میان قدرتهای مختلف امپریالیستی ؛ و
 سوم ، تضاد بین کشورهای مستعمره و نیمه مستعمره از یکطرف و کشورهای
 متروپل امپریالیستی از طرف دیگر (۳) . این سه تضاد نه تنها هنوز
 موجودند ، بلکه حادثتر و پرمخنده‌تر نیز گردیده‌اند . بعلت وجود و رشد
 این تضادها ، سرانجام روزی فرا خواهد رسید که جریان مخالف ارتجاعی
 ضد شوروی ، ضد کمونیستی و ضد دموکراتیک که هنوز موجود است ،
 از بین برود .

در این لحظه دو کنگره در چین برگزار گردیده است - یکی ششمین
 کنگره گویندگان و دیگری هفتمین کنگره حزب کمونیست است .

هدفهای این دو کنگره کاملاً مختلفند : هدف یکی از آنها از بین بردن حزب کمونیست و تمام نیروهای دموکراتیک چین و کشاندن چین بسوی تاریکی است ؛ و هدف دیگری واژگون ساختن امپریالیسم ژاپن و دست نشاندگانش - نیروهای فئودالی چین - و ایجاد یک چین دموکراتیک نوین و سوق دادن چین بصوب روشنائی است . این دو مشی با یکدیگر در مبارزه‌اند . ما اعتقاد عمیق داریم که خلق چین تحت رهبری حزب کمونیست چین و در پرتو مشی هفتمین کنگره حزب کمونیست چین به پیروزی کامل دست خواهد یافت ، و مشی ضد انقلابی گومیندان ناگزیر با شکست مواجه خواهد گردید .

یادداشتها

- ۱ - درباره این داستان رجوع شود به « لیه زی » .
- ۲ - پاتریک . ج . هارلی یکی از سیاستمداران مرتجع حزب جمهوری خواه ، در اواخر سال ۱۹۴۴ بسمت سفیر کبیر آمریکا در چین منصوب شد . پشتیبانی وی از سیاست ضد کمونیستی چانکایشک مخالفت شدید مردم چین را برانگیخت و بدین علت بود که او مجبور شد در نوامبر ۱۹۴۵ از شغل خود استعفا دهد . هارلی طی یک مصاحبه مطبوعاتی دولت آمریکا بتاريخ ۲ آوریل ۱۹۴۵ در واشنگتن مخالفت علنی خود را با همکاری با حزب کمونیست چین اعلام داشت . برای اطلاع از جزئیات این موضوع رجوع کنید به « هم‌آوازی هارلی و چانکایشک شکست خورد » ، جلد حاضر .
- ۳ - استالین : « درباره اصول لنینیسم » ، قسمت اول « ریشه‌های تاریخی لنینیسم » .

www.KetabFarsi.com

در باره کار تولیدی ارتش برای رفع نیازمندیهای خود و در باره اهمیت جنبش‌های عظیم اصلاح سبک کار و کار تولیدی

(۲۷ آوریل ۱۹۴۵)

در شرایط کنونی که ارتش ما با دشواریهای مادی فوق‌العاده‌ای روبروست و نیروهایش در مناطق مختلف بطور جداگانه نبرد میکنند ، امر تدارکات مایحتاج وی هرگز نباید فقط بر عهده ارگانهای رهبری باشد . زیرا که این امر از یکسو دست و پای بسیاری از افسران جزء و سربازان را می‌بندد و از سوی دیگر رفع نیازمندیهای آنان را از این طریق غیر ممکن می‌سازد . ما باید بگوئیم : ” رفقا ، دست بکار شویم تا بر دشواریهای خویش غلبه کنیم ! “ اگر ارگانهای رهبری وظایف را دقیقاً معین کنند و بدرجات پائین مستهورانه آزادی عمل بدهند که با اتکاء به نیروی خود بر دشواریها غلبه کنند ، مسئله حل خواهد شد و حتی به بهترین وجه حل خواهد شد . ولی بر عکس ، اگر ارگانهای رهبری همواره تمام بارهایی را

این سرمقاله را رفیق مائو تسه دون برای روزنامه « جیه فان ژیبائو » چاپ
ین ان نگاشته است .

که در واقع نمیتوانند حمل کنند ، بر دوش گیرند ، اگر از واگذاری آزادی عمل بدرجات پائین ترس داشته باشند و فعالیت توده‌ها را برای اینکه با اتکاء به نیروی خود بر دشواریها غلبه کنند ، برنیا انگیزند ، با وجود کوششهایی که بکار میبرند ، هم خودشان و هم درجات پائین ارتش در وضعیت دشواری قرار خواهند گرفت ، بدون آنکه بتوانند این مسئله را در شرایط کنونی حل کنند . تجربه سالهای اخیر این امر را کاملاً ثابت کرده است . همانطور که تاکنون باثبات رسیده ، اصل ” رهبری واحد و اداره غیرمتمرکز ” برای سازمان دادن تمام زندگی اقتصادی مناطق آزاد شده در شرایط کنونی اصل صحیحی است .

هم اکنون ارتشهای مناطق آزاد شده پیش از و نقرند . برای درهم شکستن متجاوزان ژاپنی باید این تعداد را چند برابر کرد . ولی ما تاکنون از خارج کمکی نگرفته ایم . حتی اگر هم فرض کنیم که در آینده چنین کمکی بگیریم ، باز خودمان باید وسایل زندگی خویش را تأمین کنیم . در این مورد هیچگونه پندار واهی نباید بخود راه بدهیم . در آینده نزدیک ما باید تعداد لازمی از واحدهایمان را از مناطقی که هم اکنون هر يك بطور جداگانه در آنجا نبرد میکنند ، بیرون بکشیم و بمنظور حمله به هدفهای معین دشمن متمرکز گردانیم . این واحدهای بزرگ که بطور متمرکز عمل خواهند کرد ، نخواهند توانست نیازمندیهای خود را از طریق فعالیت تولیدی برآورده سازند بلکه حتی بمقادیر زیادی مایحتاج نیز از پشت جبهه خواهند خواست . فقط سپاهیان محلی و واحدهای منطقه‌ای که در محل خود باقی مانده‌اند (و هنوز عده آنها زیاد خواهد بود) خواهند توانست مانند گذشته هم به نبرد و هم به فعالیت تولیدی بپردازند . در اینصورت آیا میتوان شکی داشت که کلیه سپاهیان ما بدون

استثناء باید با استفاده از فرصت موجود طرز تأمین بخشی از نیازمندیهای خود را از طریق کار تولیدی بیاموزند ، بدون آنکه این امر به عملیات و تعلیمات نظامی آنها صدمه برساند ؟

اینکه ارتشی از طریق کار تولیدی بتأمین نیازمندیهای خود پردازد ، در شرایط ما بظاهر عقب‌مانده یا قهقرائی بنظر میآید ، ولی در واقع مترقی است و اهمیت بزرگ تاریخی دارد . ما ظاهراً اصل تقسیم کار را نقض میکنیم ، ولی در شرایطی که ما داریم - فقر و تجزیه کشور (که معلول فعالیتهای جنایتکارانه دارودسته عمده هیئت حاکمه گومیندان است) و جنگ توده‌ای پارتیزانی طولانی و پراکنده - این کاری مترقی است . ببینید سربازان ارتش گومیندان چقدر رنگ پریده و لاغرند و سربازان مناطق آزادشده چقدر سرشار از نیرو و تندرستی‌اند ! ببینید زمانیکه ما مواد مورد نیاز خویش را تولید نمی‌کردیم ، با چه دشواریهایی روبرو بودیم و اینک که آن مواد را تولید میکنیم ، کاربان چقدر آسانتر شده‌است . بگذارید دو واحد ، مثلاً دو گروهان را در نظر بگیریم که هر کدام یکی از این دو شیوه را برمیگزینند : یا ارگانهای رهبری همه مایحتاج آنها را تأمین میکنند ، و یا اینکه ارگانهای رهبری مایحتاج آنها را اصلاً تأمین نمیکنند و یا مقدار کمی از آنها تأمین میکنند و میگذارند که آنها برای رفع تمام یا قسمت اعظم یا نیمی و یا بخشی از نیازمندیهای خویش بکار تولیدی پردازند . کدامیک از این دو شیوه نتیجه بهتر بدست میدهد ؟ آنها کدامیک از این دو شیوه را ترجیح میدهند ؟ پس از يك سال آزمایش جدی در کار تولیدی برای رفع نیازمندیها ، شکی نیست که آنها خواهند گفت که شیوه دوم نتیجه بهتر بدست میدهد و بقبول آن حاضر خواهند شد ؛ وهم شکی نیست که آنها خواهند گفت که شیوه اول نتیجه کمتر بدست

میدهد و بقبول آن آماده نخواهند گردید . زیرا شیوه دوم بهمه سپاهیان ما امکان میدهد که شرایط زندگی خویش را بهتر سازند ، حال آنکه شیوه اول در شرایط بد مادی اسروزی نمیتواند نیازمندیهای آنها را تأمین کند ، حتی اگر ارگانهای رهبری در این زمینه کوشش فراوانی بکار برند . در اثر اتخاذ این شیوه ظاهراً "عقبمانده" و "قهقرائی" سپاهیان ما توانستند بر دشواریهای ناشی از کمبود وسایل زندگی غلبه کنند و شرایط زندگی خویش را بهبود بخشند ، بطوریکه هر يك از سربازان ما سرشار از نیرو و تندرستی است ؛ در پرتوی این تدابیر ما میتوانیم از بار مالیاتی مردم که خود گرفتار دشواریهای بزرگ هستند ، بکاهیم و باینوسیله پشتیبانی آنها را بدست آوریم ؛ و همچنین میتوانیم جنگ طولانی را ادامه دهیم و بر تعداد نفرات خود بیفزائیم ، و از این طریق سرزمین مناطق آزاد شده را وسعت بخشیم و سرزمین مناطق اشغالی ژاپن را کاهش دهیم و سرانجام به نابود ساختن مهاجمان و آزاد ساختن سراسر چین نایل آئیم . آیا میتوان اهمیت بزرگ تاریخی این شیوه را منکر شد ؟

کار تولیدی ارتش برای رفع نیازمندیهای خود نه تنها شرایط زندگی ارتش را بهتر کرده و بار سنگین خلق را سبکتر نموده است ، و بدینوسیله توسعه ارتش را ممکن گردانیده است ، بلکه این امر تأثیرات جنبی فوری زیادی نیز داشته است که عبارتند از : ۱ - بهبود مناسبات بین افسران و سربازان . افسران و سربازان باتفاق هم بکار تولیدی میپردازند و بیکدیگر دست برادری میدهند . ۲ - علاقه بیشتر نسبت بکار . امروزه ما نه سیستم کهنه سربازگیری مزدوری را بکار میبریم و نه سیستم نظام وظیفه عمومی را ، بلکه سیستم سومی را انتخاب کرده ایم که سیستم بسیج داوطلبان است . این سیستم از سیستم سربازگیری مزدوری بهتر است زیرا که